شرح رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)

حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمدجواد حاج علی اکبری

موضوع:

حق نماز (۸)

تاریخ ۱۸ / ۰۵/ ۱۳۹٤

فهرست

- واجبات نباید فدای مستحبات شود
- توجه به اموری که توفیق را از انسان سلب می‌کند
- واجبی که تعطیل‌بردار نیست
- وظیفه انسان در قبال والدین تارک الصلاه
- در چه وضعیتی می‌توانیم نماز را نشسته بخوانیم؟
- وظیفه انسان در قبال همسر تارک الصلاه
- علت عدم استجابت دعا
- نماز، مهمانی خدا است
- حالت انسان مؤمن در نماز
- جایی که امام معصوم التماس دعا دارد!
- راهکاری برای درک عظمت خدای متعال
- حالت مطلوب اعضای بدن هنگام نماز

بسم الله الرحمن الرحیم
و به الحمد

واجبات نباید فدای مستحبات شود

مستحب را نباید بر واجب ترجیح داد؛ مثلاً اگر کسی تا دیروقت بیدار بماند و قرآن بخواند، به گونه‌ای که باعث شود به نماز واجبش آسیب برسد و برای نماز صبح بیدار نشود، حتی تلاوت قرآن با همه فضیلت‌هایش و استحبابش باید کنار گذاشته شود و فرد باید به موقع استراحت کند تا بتواند نماز صبحش را به وقت بخواند.

توجه به اموری که توفیق را از انسان سلب می‌کند

وقتی کسی احساس می‌کند که توفیقاتی داشته و این توفیقات از او گرفته شده است، طبق قاعدهٔ مراقبت و محاسبه، باید دقیق شود که علتش چیست؟ مناجات شریفه ابوحمزه ثمالی تعبیر جالبی دارد که در عین حال یک خط مراقبتی و سلوکی را به همه نشان می‌دهد. در آنجا می‌خوانیم: «مالی کُلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَیَّأْتُ وَ تَعَبَّأْتُ». سخن از این است که چرا من اینطور شده‌ام که هر وقت احساس می‌کنم که آماده‌ام با تو سخن بگویم، نماز بخوانم و با تو ارتباط بگیرم، احساس سنگینی می‌کنم؟ «اَلْقَیْتَ عَلَیَّ نُعاساً اذا اَنَا صَلَّیْتُ». علتش چیست؟ چرا من اینطور شده‌ام؟ بعد شروع به ریشه‌یابی می‌کنند. آیا من با اشخاص نامناسبی نشست و برخاست کرده‌ام که بی‌توفیق شده‌ام؟ آیا جایی گرفتار کم‌حیایی شده‌ام که باعث شده است توفیق از من سلب شود؟ فهرستی از مواردی که توفیق را از انسان سلب می‌کند، بیان می‌شود. آنجا امام (علیه السلام) به ما آموزش می‌دهند که هرگاه توفیقی از ما سلب

شد، باید به دنبال علتش بگردیم و خودمان و رفتارهایمان را کاملاً تحت نظر قرار دهیم و دقیق شویم تا ببینیم داریم از کجا می‌خوریم و مشکل از کجا است. گاهی مشکل از خوراک شبهه‌ناک است. گاهی مشکل از مصاحبت ناپاک است. گاهی از صحنه‌های نامناسبی است که دیده‌ایم. گاهی از حرف‌های نامناسبی است که شنیده‌ایم. گاهی از حقوقی است که زیر پا گذاشته‌ایم. گاهی از سخنان نابجایی است که گفته‌ایم. به حریم کسی تعرضی کرده یا دلی را شکسته‌ایم. اینها اسباب محرومیت می‌شود و انسانِ دقیق از خود سؤال می‌کند: چرا من اینطور شده‌ام؟ این سؤال را باید ادامه دهیم و رفتار، گفتار و برخوردهایمان را تحلیل کنیم. چه بسا به آن علت راهنمایی شویم. در هر فرض، «استغفار» راهگشا است. علت تأکید زیاد بر استغفار، مخصوصاً در سحرها، این است که کمک می‌کند اگر موانعی هست که احتمالاً آنها را شناسایی نکرده‌ایم، به لطف خدای متعال برداشته شود.

البته گاهی علت کم‌توفیقیِ اشتباه در برنامه است. مثلاً یک قرار معنوی برای خودمان گذاشته‌ایم که سنگین‌تر از توانمان بوده است. مثلاً کسی تصمیم گرفته روزی سه جزء قرآن بخواند؛ در حالی که فراتر از توان و ظرفیتش است. برای چنین فردی روزی یک حزب یا پنج صفحه مناسب است. برنامه‌ریزی، باید واقع‌بینانه و درست باشد.

واجبی که تعطیل‌بردار نیست

از ویژگی‌های نماز این است که تحت هیچ شرایطی قابل ترک نیست. هیچ چیزی دلیل نمی‌شود انسان نماز را ترک کند. اگر انسان بر اثر غفلت و بی‌توجهی یا دست کم گرفتن، نماز را ترک کند،

عوارض دنیایی، برزخی و قیامتی‌اش خیلی تکان‌دهنده است. در روایتی که حضرت زهرا (سلام الله علیها) از پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) نقل کرده، عوارض ترک نماز از سر بی‌اعتنایی فهرست شده که خیلی تکان‌دهنده است.[۱]

نماز نیاز اصلی روحی و معنوی ما و تغذیه اندام‌های روحانی ما است و ما بدون نماز به هیچ‌جا نمی‌رسیم. اگر کارهای خوب جن و انس را هم انجام داده باشیم، احسان به خلق، رسیدگی به مردم، دستگیری از یتیمان و مستمندان، انجام خدمات علمی، معنوی، اجتماعی، جهاد در راه خدا، تولید امنیت اجتماعی، و حتی اگر آنچه را که همه خلق انجام داده‌اند، یک نفر از خدمات انجام دهد، اما نمازش را رها کند، طبق روایت «إن قُبِلَت قُبِلَ مَا سَوَاهَا وَ إن رُدَّت در مَا سَوَاهَا؛[۲] اگر قبول شد بقیه اعمال پذیرفته می‌شود واگر رد شد، سایر اعمال نیز پذیرفته نیست»، آن کارها محاسبه نمی‌شود و در ترازوی عمل قرار نمی‌گیرد.

نماز رمز، داغ و نشان بندگی است که خدای متعال از ما خواسته است آن را بر سینه و سیمای خودمان داشته باشیم. به هیچ وجه قابل ترک و رها کردن نیست؛ حتی اگر انسان مریض باشد. در مسائل فقهی گفته شده است که حتی اگر شخص بیماری‌اش به آن حد برسد که اصلاً نتواند تکان بخورد و حتی سرش را هم نتواند تکان دهد و با اشاره چشمش سجده و رکوع را انجام دهد، باید در ذهنش مضامین نماز را مرور کند و سجده و اعمال نماز را در ذهنش انجام دهد. بنابراین نماز در هیچ شرایطی قابل ترک نیست و برنامه بسیار مهم و حساسی است.

وظیفه انسان در قبال والدین تارک الصلاه

حال اگر والدین انسان نماز نخوانند، با توجه به اهمیت فوق‌العاده نماز، وظیفه انسان چیست؟ همین‌قدر که یادآوری کند، کافی است؛ زیرا حریم پدر و مادر، حریم بسیار مهم و حساسی است که باید کاملاً رعایت شود. ما تحت هیچ شرایطی حق نداریم آن حریم را بشکنیم. با ادب، فروتنی، خضوع، شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم، مثلاً یادداشت یا استفاده از کسانی که روی آنها مؤثرند، باید آنها را از این خطر بزرگی که به آن مبتلا شده‌اند، آگاه کرد. اگر تلاش ما اثر نداشت، حق قطع ارتباط یا شکستن حرمت والدین را نداریم.

در چه وضعیتی می‌توانیم نماز را نشسته بخوانیم؟

درباره نماز واجب باید انسان کاملاً ترتیب آن را رعایت کند؛ مگر اینکه واقعاً برایش ضرر داشته باشد و غیر ممکن باشد. مثلاً سجده رفتن، اصلاً امکان نداشته باشد یا برای انسان به شدت ضرر داشته باشد. اینکه وقتی به سجده می‌رویم، یک مقدار پا یا کمرمان درد می‌گیرد، هیچ کدام دلیل نمی‌شود که نماز را نشسته بخوانیم. انسان باید نمازش را در وضعیت طبیعی بخواند. صحنه‌ای از امام راحل عظیم الشأن روی تخت بیمارستان هست که در آن شرایط سخت و وضعیت خاص، امام را کمک می‌کنند که بلند شود، بنشیند و نمازش را بخواند. یعنی تا هر مقداری که امکان دارد، انسان باید نمازش را به همان صورتی که گفته شده، بخواند.

نماز واجب این‌گونه است. اما راجع به نوافل، این وضعیت را نداریم. یعنی به هر شکل، خواندنش بهتر از نخواندش است؛ حتی اگر به این شکل باشد که شخص هنگام راه رفتن، با اشاره، رکوع و سجده‌ی نافله‌اش را انجام دهد. کسی که دشواری‌ها را تحمل کرده و نماز خوانده است، طبعاً اجر بیشتری می‌برد و به ظرفیت‌های نماز بیشتر دست می‌یابد.

وظیفه انسان در قبال همسر تارک الصلاه

انسان با توجه به جایگاه همسری وظیفه دارد بهترین‌ها را برای همسرش بخواهد. دلشوره کسانی که همسرشان نماز نمی‌خوانند، به حق و ناراحت شدنشان بجا است. همه‌ی اینها باید مقدّمه‌ای برای این باشد که کمک کنند همسرشان از آن اشتباه بیرون بیاید. گاهی ممکن است فرد به دلیل لج کردن با همسر نماز نخواند. باید مواظب باشیم؛ زیرا شخصیت‌ها مختلف هستند.

نمونه‌هایی داریم که کسی به همسرش نماز را یادآوری کرده، به جای اینکه تأثیر بپذیرد، جبهه‌گیری و مقابله کرده و به لج افتاده است. در این صورت باید مواظب باشیم که ضمن حفظ احترام و ویژگی‌های شخصیتی همسر، زمینه‌هایی را فراهم آوریم که از این اشتباهات بیرون بیاید.

گاهی شخص از گفتار همسرش تأثیر نمی‌پذیرد، ولی از فرد دیگری تأثیر می‌پذیرد. ممکن است در جاهایی باید از کس دیگری کمک گرفت. ببینید چه کسی می‌تواند کمک کند، از او یاری بگیرید.

نوشته‌ای که عاشقانه باشد و کلمات مناسبی داشته باشد،

ممکن است بتواند روی فرد اثر بگذارد. ببینید به چه شکلی می‌توان روی او تأثیر گذاشت. اگر در هر صورت همه راه‌ها را رفتید و کارهای شما فایده‌ای نبخشید، دیگر وظیفه‌ای ندارید و نباید اجازه دهید این دلشوره‌ها و دغدغه‌ها به کیفیت نمازتان آسیب بزنند.

علت عدم استجابت دعا

خداوند تبارک و تعالی خیلی مهربان‌تر از چیزی است که فکر می‌کنیم. به هیچ وجه سختی‌های زندگی دلالتی بر این نیست که خدا با ما قهر کرده است. گاهی در شرایط امتحانی خاصی هستیم که باید از خدای متعال صبر بخواهیم. البته نتیجه دعا را نباید دلیل خوبِ یا بد بودن خود بدانیم. مثلاً دعا می‌کنیم که بیماری ما شفا پیدا کند یا ورشکستگی ما مرتفع شود یا فرزند می‌خواهیم. اگر نتیجه آنچه که می‌خواستیم نشد، به هیچ وجه نباید تحلیل کنیم که خدا با ما قهر یا رهایمان کرده است. این بدترین نتیجه‌ای است که انسان می‌تواند بگیرد. بعد از اینکه دعایمان مستجاب نشد، ریشه‌یابی کنیم. شاید چیزی را رعایت نکرده‌ایم یا عیبی داریم. اما نباید تحلیل کنیم که خدا با ما قهر و ما را رها کرده است. مگر چنین چیزی می‌شود؟ مگر خدای متعال بنده خودش را رها می‌کند؟ باید تسلیم شویم و بدانیم که همه‌ی دعاها مستجاب و مورد عنایت است و خدای متعال همه را برای ما ذخیره می‌کند. هزاران هزاران برابر بهتر از آنچه که الان خواسته‌ایم، در ذخایر جاودانی برای ما تعبیه و نگهداری می‌شود.

نماز، مهمانی خدا است

رساله و متن زیبا و حقیقتاً سازنده رساله حقوق امام (علیه السلام) نسخه‌ای شفابخش است. امام (علیه السلام) همه سخن را در در کلمه نخست خلاصه کردند: «فَأَنْ تَعْلَمَ». فرمودند حق نماز این است که به این نقطه برسی که بدانی «أنّهَا وِفَادَةٌ إلَی الله» کافی است به این برسیم، که در این صورت در نماز به همه چیز خواهیم رسید. به نسخه‌ای که حضرت سیدالساجدین (علیه السلام) می‌دهند، حقیقتاً وفادار باشیم و به آن عمل کنیم. قطعاً نتیجه می‌گیریم. تا می‌خواهیم تکبیره الاحرام را بگوییم، بلافاصله یاد این جمله بیفتیم: مهمانی خدا: «وفَادَةٌ إلَی الله وَأَنَّکَ قَائِمٌ بهَا بَیْنَ یَدَی الله». همان یک لحظه، احساس کنیم که در حضور خدای متعال هستیم. مشکل ما این است که ممکن است به نماز به صورت یک آیین و یک تکلیف عادی نگاه کنیم. امام (علیه السلام) می‌گویند نگاهتان را عوض کنید؛ شما به دیدار می‌روید؛ شرفیاب می‌شوید؛ قرار دارید؛ وعده دارید. فرصتی برای شما، برای حضور، شرفیابی و گفتگو معیّن شده با کسی که شما و عالم را آفریده و اختیار شما و همه به دست او است. دارید به دیدار خداوند می‌روید. کافی است این یک نکته را بدانیم. حضرت (علیه السلام) فرمودند این را که دانستی، محصولش حضور قلب در نماز و توجه و بهره‌برداری از آن می‌شود.

حالت انسان مؤمن در نماز

اولین نکته‌ای که در نماز باید به آن توجه کنیم، عبارت است از اینکه حالت ما در مقام نماز حالت بندگی باشد، که ما

عبدیم و او مولا است. احساس ما همانی باشد که در فراز نخستین مناجات امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است: «مَوْلایَ یا مَوْلایَ، اَنْتَ الْمَوْلی وَ اَنَا الْعَبْدُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْعَبْدَ الاّ الْمَوْلی».

بنده‌ای که این ویژگی‌ها را دارد، رام، خاکسار و فروتن است. در دعای عرفه امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید که من کمترین کمترین‌ها و کوچک‌ترین کوچک‌های این عالم هستم.[۳] در نماز باید به کوچکی، ضعف و ناتوانی خود در پیشگاه پروردگار بزرگ و عزیز و قادر و متعال توجه پیدا کنیم و بدانیم که به دیدار چه کسی می‌رویم. در این صورت قلب ما از رغبت و شوق سرشار می‌شود. با این نگاه نماز دیگر تکلیف نیست و احساس می‌کنیم که تمام وجودمان آکنده از اشتیاق دیدار است.

از آن سو توجه داریم که با دست خالی به این دیدار می‌رویم. لذا لرزشی در دل انسان پیدا می‌شود که اگر قوی باشد، به اندام‌ها هم سرایت می‌کند. گاهی انسان پیش بزرگی می‌رود، دلش می‌لرزد. بعد پایش شروع به لرزیدن می‌کند. بعد زبانش به لرزه می‌آید. این حالت در مناسبات عادی خیلی پیش می‌آید. شاید همه ما چنین تجربه‌ای داشته باشیم. این کجا و اینکه انسان می‌خواهد به محضر رب الارباب شرفیاب شود، کجا؟

۱. حالت رهبت

حالتی که به فرموده امام سجاد (علیه السلام) در نماز به انسان دست می‌دهد، عبارت است از: «الراهب». حالت رهبت، وضعیت خاصی است که از آن

به حالت ترسان تعبیر می‌شود؛ منتها از سر فهم عظمت و بزرگی خداوند.

۲. حالت خوف

حالت بعدی «الخائف» است. حالت خوف در نماز برای انسان وقتی پیدا می‌شود که به اشتباهات خود توجه داشته باشد. نه اینکه با دست خالی آمدم و در برابر عظمت تو قرار گرفتم، نه، بلکه با پشتی سنگین از بار گناه آمده‌ام. از متن قرآن کریم استفاده کردیم که «أَقِمِ الصَّلاةَ طَرَفَيِ النَّهارِ وَزُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَناتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئاتِ؛[۴] و در دو طرف روز [اول و آخر آن] و نخستین ساعات شب نماز را برپا دار، زیرا خوبی‌ها بدی‌ها را از میان می‌برد». احساس ما در نماز باید این باشد که بار سنگینی آورده‌ایم و در نماز، این بار باید پیاده شود. اینجا خائف هستیم که نکند مرا نپذیرد و قبول نکند؟ نکند به خاطر اشتباهات، خطاها، کژی‌ها و غفلت‌هایم مرا از درگاه خود دور کند؟

۳. حالت رجا

حالت دیگر «الرّاجی» است. با حالت خوف آمده‌ام، خودم را می‌کشانم و می‌آورم، خجالت هم می‌کشم؛ اما تمام وجود من سرشار از امید است. این وقتی است که به کرم، رأفت، رحمت، لطف و محبت پروردگار عزیز و بزرگم توجه پیدا می‌کنم که با همه کوچکی مرا دعوت کرده و با هر کیفیتی از من خواسته است که شرفیاب شوم. نماز واجب خیلی دقیق است. نماز واجب تفاوتش با نماز مستحب این است که خداوند در نماز واجب گفته

است باید بیایی. یعنی در هر وضعیتی که هستی باید بیایی. هیچ کس نمی‌تواند بگوید من گناهکارم، پس نمی‌آیم. فلان معصیت را مرتکب شده‌ام، پس نماز نمی‌خوانم. باید بیایی. هر که هستی، هرچه هستی، در هر شرایطی که هستی، باید بیایی. نماز یک «باید» است. مولا تو را خواسته و به تو اجازه نداده است که تحت هیچ شرایطی از آن لحظه فاصله بگیری و از آن دیدار غایب باشی. بنابراین او با همه‌ی این حالات مرا خواسته است؛ پس می‌خواهد کاری کند. می‌خواهی مرا تحویل بگیری، به من برسی، توبه مرا قبول کنی و کمکم کنی. بنابراین من هم در هر شرایطی که هستم، می‌آیم و خودم را در آغوش رحمت و لطف تو قرار می‌دهم.

خوب است این واژه‌ها را به خاطر بسپاریم و قبل از نماز آنها را مرور کنیم: «العَبد»، «الذلیل»، «الراغب»، «الراهب»، «الخائف»، «الرّاجی».

۴. حالت مسکنت

امّا حالت بعدی، «المِسکین» است؛ یعنی به تمام معنا خودم را در پیشگاه پروردگار نیازمند می‌دانم و فقر تام را احساس می‌کنم؛ چنان‌که امام سجاد (علیه السلام) در سجده به خداوند عرضه می‌داشت: «عُبیدُکَ بفَنائک، مسکینک بفنائک، فَقیرُکَ بفنائک، سائلک بفَنائک؛[۵] (خدایا!) بنده تو، مسکین تو، فقیر تو، گدای درگاه تو، در آستانه خانه تو است». احساس انسان وقتی که می‌خواهد وارد نماز شود، این است که بنده کوچک تو، فقیر تو و مسکین تو آمده است. گدای تو به درگاه تو آمده است. این حالت‌ها است که نماز انسان را نماز می‌کند.

والّا سرمان را پایین بیندازیم و «الله اکبر» بگوییم و نفهمیم چه خواندیم، چه گفتیم، کجا ایستادیم، با چه کسی حرف زدیم، سود چندانی برای ما ندارد. من عزیزانم را توصیه می‌کنم این آیه کریمه قرآن را که حال حضرت موسی بن عمران (علیه السلام) است، قبل و در نماز بِه خاطر بیاورند: «رَبِّ إِنِّی لِمَا أَنزلْتَ إِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقِیرٌ؛[۶] پروردگارا! به هر خیری که بر من می فرستی، نیازمندم». من آمده‌ام و به هر خیر مادّی و معنوی که به من برسانی، نیازمندم.

۵. حالت تضرّع

«المُتَضَرِّع»، حالت بعدی است و به معنای این است که حالت من حالت عادی نیست. من با حالت زاری آمده‌ام و وارد نماز شده‌ام؛ به خاطر خسارت‌هایی که به بار آورده‌ام، به خاطر دشمنی‌هایی که با خودم کرده‌ام، به خاطر آنچه که به روز خودم آورده‌ام. در مناجات شعبانیه فقراتی است که مناسب این مقام است. در آنجا می‌خوانیم: «وَ قَد افنَیتُ عُمری فی شرَّهٔ السَّهو عَنک وَأبلَیتُ شَبابی فی سَکرَهٔ التَبَاعدِ مِنک؛ عمرم را در بی‌خبری از تو سپری کردم و جوانی‌ام را در سرمستی دوری از تو فرسودم». به خاطر عمر بر باد رفته، به خاطر سرمایه‌های معنوی ازدست‌رفته، به خاطر عدلی که مرا به پای محاسبه دعوت می‌کند، تضرع فراوان دارم. تو به من گفتی که حتماً بیایم و من در پیشگاه تو می‌ایستم. مثل لحظاتی است که در قیامت پای میز محاسبه و محاکمه ایستاده‌ام و می‌خواهی از من سؤال کنی. از قبری که انتظار مرا می‌کشد، از شیطانی که درصدد اغوای من است، از دشمنان شیطان‌صفتی که در لباس دوست مرا محاصره

کرده‌اند و می‌خواهند بین من و تو جدایی بیندازند، اشک و آه دارم و زاری می‌کنم و تو را با این حال می‌خوانم که شاید به من رحم کنی.

جایی که امام معصوم التماس دعا دارد!

خیلی خوب است که انسان در نماز حالت تضرع داشته باشد. شخصی از امام صادق (علیه السلام) درباره حکم گریه در نماز سؤال کرد. حضرت فرمودند: «اگر گریه کردی از من هم یاد کن». حالت زاری فوق‌العاده خوب است. البته اگر گریه به خاطر بیماری و فقر مادی و امثال این‌ها باشد، مخصوصا اگر با صدا باشد، نماز را باطل می‌کند. یا مثلاً اگر بعد از یک جلسه مذهبی نماز می‌خوانیم و هنوز یاد آن جلسه هستیم، چنین گریه‌ای خوب است. آن اشک اگر محصول توجه به امام حسین (علیه السلام) باشد نیز خیلی خوب است.[۷]

راهکاری برای درک عظمت خدای متعال

امام سجاد (علیه السلام) در ادامه فرمودند: «المُعَظِّم مَنْ قَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ». یعنی این حالت کوچکی در برابر عظمت پروردگار متعال و احساس عظمت، انسان را به رکوع می‌اندازد و به سجده می‌برد. رکوع و سجده ما باید محصول درک عظمت مقام باشد و اینکه انسان کوچکی خود و عظمت پروردگار متعال را احساس کند. برای اینکه انسان عظمت خدای متعال را درک کند، خوب است به جلوه‌های عظمت حق فکر کند؛ مثلاً به آسمان، کهکشان‌ها، دریا، صحرا و

کوه‌ها. بعد، به کوچکی خود بیندیشد تا احساس خشوع در او شکل گیرد. نتیجه‌اش این می‌شود که رکوع رفتن او بازتاب احساس عظمت حضرت حق است. لذا وقتی به رکوع می‌رود و می‌گوید: «سُبحانَ رَبِّی العَظیم وَ بِحَمدِه»، آنجا که به سجده می‌افتد و می‌گوید: «سُبحانَ رَبِّی الاعلی وَ بِحَمدِه»، واقعاً «المُعَظِّم» و بزرگ انگاشتن پروردگار، در نگاه و فکر و ذکرش است. احساس کند که قلبش را کف دستش گرفته و به پیشگاه او آمده و در مقام نماز قرار گرفته است.

حالت مطلوب اعضای بدن هنگام نماز

«بِالسُّکُونِ وَالإِطْرَاقِ وَخُشُوعِ الأَطْرَافِ وَلِینِ الْجَنَاحِ». این تعبیرها خیلی زیبا است. نمازهایی که انسان در بی‌قراری و اضطراب و عجله می‌خواند، نماز نیست. نماز باید با آرامش باشد تا بتوانیم ادب آن لحظات را رعایت کنیم و اعضا و جوارح خود را با خود همراه سازیم.

«وَخُشُوعِ الأَطْرَافِ»؛ یعنی دلم را آورده‌ام و همراه دلم، چشم، گوش، دست، زبان و پای من، همه هم به نماز آمده‌اند. چه مؤدبانه آمده‌اند! چشم من پایین افتاده است. خوب است در نماز، انسان به محل سجده نگاه کند. این خشوع چشم است. دست‌های من، به حالت ادب در کنار من قرار گرفته است. کسی که نگاه می‌کند، می‌بیند که در اوج خاکساری و تواضع و فروتنی و ادب ایستاده‌ام. انسان باید در نمازش چنین حالتی را به خود بگیرد. آرام و مؤدبانه و خاشعانه بایستد تا به مدد پروردگار متعال و با رعایت ادب، بتواند حرف آخر را در نماز بزند که جمله پایانی این بخش از رساله

حقوق است: «وَحُسْنِ الْمُنَاجَاةِ لَهُ فِی نَفْسِهِ». حالا وقتی است که من می‌خواهم با تو حرف بزنم. احساس می‌کنم به تو نزدیک هستم و تو از من هم به من نزدیک‌تر هستی و راز نهان مرا می‌دانی. می‌خواهم با زبان مناجات سخن بگویم.

«حُسْنِ الْمُنَاجَاةِ» آنجایی است که انسان خیلی احساس قرب به خدای متعال می‌کند و از صمیم قلب راز نهان خودش را آشکار و افشا می‌کند و با خدای خودش حرف می‌زند. آن خواسته یک خواسته بیشتر نیست: خدایا! به فریادم برس. گناهان، اشتباهات و بی‌ادبی‌های من، مرا به بند کشیده است. مرا از خودم گرفته است. من خودم را گم کرده‌ام. از تو، خودم را می‌خواهم. مرا به من برگردان و آزاد کن برای اینکه فقط برای تو باشم. این آن جمله پایانی رساله نورانی امام (علیه السلام) درباره حق نماز است. موانع را برطرف کن، مرا به دیدار خودت بپذیر، مرا قبول کن. جز تو کسی را ندارم: «الهی وَ رَبی مَن لِی غَیرُک؛[۸] ای خدا و پروردگار من، چه کسی غیر از تو برای من می‌باشد؟». این کسی که آمده است، هیچ کس را غیر از تو ندارد. چه حالی بدتر از اینکه من اسیر خودم شده و به زنجیر خودم گرفتار شده‌ام. این زنجیر را از دست و پای من باز کن. من غیر از تو کسی را ندارم و جز لطف تو مددکاری ندارم.

در پایان این نکته را متذکر می‌شوم که با حالت خداحافظی با نماز، نماز را به پایان ببریم؛ که گفته‌اند:

هر وقت خوش که دست دهد مغتنم شمار
کس را وقوف نیست که انجام کار چیست[۹]

با خود بگوییم شاید این آخرین نمازی باشد که می‌خوانیم. چنانچه با این احساس وداع وارد نماز شویم، ان‌شاءالله نمازمان آکنده از حضور خواهد شد.

خدا را به نماز همه اولیا و به نماز خاتم اولیا، امام عصر (عج) قسم می‌دهم که توفیق حضور در نماز را به همه ما کرامت کند.

منابع و مآخذ

[۱] . حضرت فاطمه (سلام الله علیها) از پدر بزرگوارش حضرت محمّد (صلّی الله علیه و آله) پرسید: ای پدر جان! سزای مردان و زنانی که نماز را سبک بشمارند، چیست؟ حضرت فرمود: ای فاطمه، هر کس چه مرد باشد و چه زن، نمازش را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده مصیبت گرفتار می‌نماید: شش چیز در سرای دنیا، و سه چیز هنگام مرگ، و سه چیز در قبرش. و سه چیز در قیامت هنگام بیرون آمدن از قبر. برای آگاهی از متن کامل روایت، ر.ک: سید ابن طاووس، فلاح السائل و نجاح المسائل، ص۲۲.

[۲] . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۸۳، ص۲۵.

[۳] . «أَنَا بَعْدُ أَقَلُّ الأَقَلِّينَ وَ أَذَلُّ الأَذَلِّينَ وَ مِثْلُ الذَّرَّةِ أَوْ دُونَهَا».

[۴] . هود: ۱۱۴.

[۵] . شیخ عباس قمی، منتهی آلامال، باب ششم، در تاریخ امام سجاد (علیه السلام).

[۶] . قصص: ۲۴.

[۷] . در این مورد به استفتاء مراجع رجوع شود.

افق‌ها

افق‌ها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir ● سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۱ شنبه‌ها، ساعت ۱۹

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲

از شبکه قرآن و معارف سیما/برنامه یاد خدا